



Proving a Bank's Civil Liability for Money Laundering: A Comparative Study of Iraqi and Iranian Law

Waleed Aljankani ¹, Ahmad Deylami ²

1. PhD student in Private Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author), Email: bmw_waleed@yahoo.com

2. Professor, Department of private law, faculty of law, University of Qom, Qom, Iran, Email: a-deylami@qom.ac.ir

Abstract

This study examines the evidentiary aspects of civil liability claims against banks for money laundering within a comparative framework involving Iraq and Iran. It explores how breaches of anti-money-laundering obligations may constitute civil fault and how such fault can be proven. The significance of the study lies in enhancing the protection of injured parties, promoting the stability of banking transactions, and strengthening civil deterrence as a complement to criminal deterrence by establishing clear judicial standards for due diligence, reporting, and record-keeping. The principal research question is the extent to which a breach of the duty to report suspicious transactions and violations of due diligence requirements may be regarded as judicial presumptions of civil fault. The study also examines how damage and causation may be established and how the amount of compensation should be determined in light of the distinctive characteristics of money laundering. The study employs descriptive, analytical, and comparative methods. It applies the rules governing evidence and case management and connects specific anti-money-laundering regulations with the general rules of civil liability and compensation. The findings indicate that breaches of disclosure and production orders, electronic records, and banking expert evidence are among the most decisive means of completing the evidentiary basis required to establish civil liability. Compensation encompasses both pecuniary and non-pecuniary damage. Moreover, the “natural and probable consequence” test constitutes the most important basis for attributing the damage to the defendant

key words: Money Laundering; Bank Liability; Proof Of Civil Liability Claims; Duty Of Reporting Obligation; Civil Compensation; Due Diligence; Judicial Presumption.

Received: 05/05/2026; Revised: 22/07/2026; Accepted: 24/07/2026; Published online: 01/08/2026

How To Cite: Aljankani, W & Deylami, A. (2026). Proving a Bank's Civil Liability for Money Laundering: A Comparative Study of Iraqi and Iranian Law. *Private Law Doctrines of Islamic Countries*, 3(2), 118-140. <https://doi.org/10.22091/dplic.2026.17092.1141>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research



اثبات دعوای مسئولیت مدنی بانک در قبال پول‌شویی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق عراق و ایران

ولید الجنکانی^۱، احمد دیلمی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: bmw_waleed@yahoo.com

۲. استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران، رایانامه: a-deylami@qom.ac.ir

چکیده

این پژوهش به مسئله اثبات دعوای مسئولیت مدنی بانک در قبال پول‌شویی در چارچوب تطبیقی میان عراق و ایران می‌پردازد و چگونگی نقض تکالیف مربوط به پول‌شویی، یعنی تحقق خطای مدنی و اثبات آن را بررسی می‌کند. اهمیت پژوهش در تقویت حمایت از زبان‌دیده، ثبات معاملات بانکی و فعال‌سازی بازدارندگی مدنی مکمل بازدارندگی کیفری، از طریق ایجاد معیار قضایی روشن برای مراقبت مقتضی، گزارش‌دهی و نگهداری سوابق آشکار می‌شود. پرسش اصلی پژوهش بر این محور استوار است که تا چه اندازه می‌توان نقض تکلیف گزارش‌دهی درباره عملیات مشکوک و تخلفات مربوط به مراقبت مقتضی را قریب‌ترین قضایی بر خطای مدنی دانست. همچنین، بررسی می‌کند که چگونه می‌توان زبان و رابطه لازم را اثبات و میزان جبران خسارت را با توجه به ویژگی‌های پول‌شویی تعیین کرد. این مطالعه از روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی بهره گرفته، قواعد اثبات و مدیریت دعوا را به کار بسته و مقررات خاص مبارزه با پول‌شویی را با قواعد مسئولیت مدنی و جبران خسارت پیوند داده است. طبق یافته‌های پژوهش نقض دستورهای ارائه و افشای سوابق الکترونیکی و کارشناسی بانکی، تعیین‌کننده‌ترین ابزارها برای تکمیل دلیل وجود مسئولیت مدنی هستند و جبران خسارت شامل زبان مادی و معنوی می‌شود. معیار نتیجه طبیعی و غالب مهم‌ترین دلیل برای اثبات انتساب ضرر به خواننده است.

واژگان کلیدی: پول‌شویی، مسئولیت بانک، اثبات دعوای مسئولیت مدنی، تکلیف گزارش‌دهی، جبران خسارت مدنی، مراقبت مقتضی، اماره قضایی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۱۰/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۲؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۵/۱۰
استناد: الجنکانی، ولید و دیلمی، احمد. (۱۴۰۵) اثبات دعوای مسئولیت مدنی بانک در قبال پول‌شویی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق عراق و ایران، آموزه‌های حقوق خصوصی کشورهای اسلامی، ۳(۲)، ۱۱۸-۱۴۰.

<https://doi.org/10.22091/dplic.2026.17092.1141>



نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

مشکل پول‌شویی از آنجا آغاز می‌شود که تخلفات بانک غالباً به‌صورت فعل مادی مستقیم ظاهر نمی‌شوند، بلکه در قالب قصور در تکالیف مراقبت مقتضی، گزارش عملیات مشکوک، نگهداری سوابق و پیگیری مستمر بروز می‌یابند؛ اموری که به زیان‌های مالی و اعتباری منجر شده و فرصت‌های ردیابی و استرداد را تضعیف می‌کنند. پیچیدگی اثباتی نیز به دلیل نابرابری اطلاعات، عمیق‌تر می‌شود؛ زیرا پرونده‌های «شناخت مشتری»، سوابق مشکوک و اشتباه و نتایج نظارت الکترونیکی غالباً در اختیار بانک است. از همین رو ابزارهایی مانند دستور ارائه اسناد، قرائن قضایی و کارشناسی بانکی به بخشی از جوهر اختلاف تبدیل می‌شوند.

چارچوب قانونی در عراق بر قواعد مبارزه با پول‌شویی، بر پایه قانون مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم شماره ۳۹ سال ۲۰۱۵، استوار است؛ به‌ویژه ماده ۱۱ آن که به مراقبت مقتضی و پیگیری و ماده ۳۹ آن که درباره گزارش‌دهی و ممنوعیت افشا می‌پردازند. این مقررات با قواعد جبران خسارت در قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱ تکمیل می‌شود؛ مانند ماده ۲۰۵ باب زیان معنوی، ماده ۲۰۷ درباره معیار نتیجه طبیعی و ماده ۲۳۲ درباره ضوابط زمانی.

در ایران این امر عمدتاً بر قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب سال ۱۳۸۶، با اصلاحات سال ۱۳۹۷ و آیین‌نامه اجرایی مصوب سال ۱۳۸۸، همراه با قواعد جبران زیان در قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، قواعد ضمان در قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استوار است. این مطالعه مقررات تنظیمی را با ابزارهای اثبات پیوند می‌زند. در عراق، اثبات این امر بر قانون اثبات شماره ۱۰۷ سال ۱۹۷۹، به‌ویژه ماده ۹ درباره الزام خصم به ارائه دلیل و تلقی امتناع به‌عنوان قرینه، مبتنی است. در ایران نیز قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، به‌ویژه ماده ۱۹۹ درباره تحقیق در دعوا و ماده ۲۰۹ درباره دستور ارسال اسناد از ادارات و بانک‌ها مورد استناد است.

ارزش این ساختار هنگامی روشن می‌شود که بر مسائل روز عراق و ایران تطبیق داده شود؛ جایی که حساسیت نظام‌های بانکی نسبت به خطرات پول‌شویی، به سبب اقتصاد نقدی و گسترش حواله‌های فرامرزی و رشد استفاده از کانال‌های دیجیتال افزایش یافته است.

در عراق طی سال‌های اخیر اقدامات نظارتی و سخت‌گیری در رفتار برخی بانک‌ها در زمینه بحث

درباره قاچاق دلار و شبهات پول‌شویی برجسته شده است؛ امری که به محدودسازی معاملات برخی بانک‌ها یا کنار گذاشتن آن‌ها از برخی کانال‌های معامله دلاری، طبق گزارش‌های خبری بین‌المللی، انجامیده است (مزر، ۲۰۲۳: ۱۰). این واقعیت معیار مراقبت در احراز هویت، منشأ وجوه و به‌روزرسانی را به معیاری تعیین‌کننده تبدیل می‌کند؛ زیرا نقض آن صرفاً زبانی نظری ایجاد نمی‌کند، بلکه در عمل به مسدود شدن معاملات مشروع، افزایش هزینه اجرا و کاهش اعتماد بازار به بخش بانکی منجر می‌شود. در ایران موضوع اجرا پیچیده‌تر است؛ هم به دلیل استمرار الزامات بین‌المللی سخت‌گیرانه نسبت به خطرات پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و هم به دلیل گسترش استفاده از جایگزین‌های حواله‌ای غیر بانکی یا دیجیتال در سایه محدودیت‌های مالی (روغنی، ۱۴۰۱: ۲۱). این زمینه اهمیت احراز هویت ذی‌نفع واقعی و منشأ وجوه را دوجندان می‌کند، به‌ویژه در حواله‌های بزرگ و معاملات دارای ماهیت تجاری یا معاملاتی که از طریق واسطه‌های متعدد عبور می‌کند؛ زیرا هرگونه سستی در شناسایی و پیگیری، بانک را به مجرای برای چرخش عواید نامشروع تبدیل می‌کند و سپس این امر در قالب اقدامات توقیفی یا تحقیقات بعدی به مشتریان مشروع نیز باز می‌گردد. از این رو، دامنه تکلیف به مراقبت در اینجا صرفاً فهرستی از تعهدات جداگانه نیست، بلکه نظامی پیوسته است: احراز هویت اولیه و کامل، فهم هدف و منشأ، سپس پیگیری و به‌روزرسانی و درنهایت مستندسازی‌ای که برای دلیل قضایی مناسب باشد (آخوندی، ۱۳۶۸: ۲۰).

۱. عناصر ماهوی اثبات دعوای مسئولیت مدنی بانک در قبال پول‌شویی

برای تحقق مسئولیت بانک، باید بانک مرتکب خطایی شود که به دیگری زیان وارد کند، افزون بر وجود رابطه‌ای که میان این خطا و زیان حاصل از آن، پیوند برقرار کند. این عناصر به شرح زیر هستند:

۱-۱. زیان ناشی از پول‌شویی

منظور از زیان، هر آسیبی است که به حق یا منفعت مشروع انسان وارد شود. زیان رکن اساسی تحقق مسئولیت مدنی و مطالبه جبران خسارت است؛ زیرا در صورت نبود زیان، جبران خسارت نیز منتفی است، حتی اگر خطا ثابت شده باشد (الذنون، ۲۰۱۲: ۲۲۶).

زیان در مسئولیت قراردادی به آسیبی اشاره دارد که متعاقد در نتیجه عدم اجرای تعهد مورد توافق متحمل می‌شود. اما در مسئولیت قهری به آسیبی گفته می‌شود که در نتیجه نقض یک تعهد قانونی به شخص وارد می‌شود. بنابراین ضمانت اجرای ناشی از مسئولیت مدنی، جبران این زیان یا کاستن از آثار

آن تا حد امکان است (حسنین، بی تا: ۱۹۰). زیان می‌تواند مادی باشد (آخوندی، ۱۳۸۶: ۲۴۵)؛ یعنی به دارایی شخص یا حقوق مالی او آسیب وارد کند یا او را از منفعت مشروعی که قابل ارزیابی مالی است محروم سازد. همچنین زیان می‌تواند ادبی یا معنوی باشد؛ یعنی احساسات یا شهرت شخص را تحت تأثیر قرار دهد. باین حال، قانون‌گذار عراقی حق متعاقد به جبران خسارت را تنها نسبت به نوع نخست، یعنی زیان مادی تصریح کرده است (السعدی، ۲۰۲۲: ۲۰). این امر از عبارت بند دوم ماده ۱۶۹ قانون مدنی عراق نیز روشن می‌شود که مقرر می‌دارد:

«جبران خسارت شامل زیانی است که به طلبکار وارد شده و سودی که به دلیل از بین رفتن حق او یا تأخیر در استیفای آن از دست داده است» (الخضرمی، ۲۰۱۵: ۳۳). طبق بندهای دوم و سوم ماده ۱۶۹ قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱ اصلاحی، در مسئولیت قراردادی نسبت به زیان غیرقابل پیش‌بینی، جبران خسارت وجود ندارد، مگر آنکه مدیون مرتکب تقلب یا خطای سنگین شده باشد. همچنین زیان باید محقق، یعنی قطعی یا مسلم باشد؛ تفاوتی ندارد که حال باشد یا آینده. اما زیان احتمالی، زیانی غیرمحقق است و در نتیجه جبران خسارت را ایجاب نمی‌کند (دیلمی، ۱۴۰۵: ۵۱-۶۱؛ مسقوی، ۲۰۰۶: ۲۶۷).

۲-۱. خطای مدنی (فعل نامشروع = پول‌شویی)

خطای بانک شرط مسئولیت مدنی به شمار می‌آید. این خطا می‌تواند ماهیتی قراردادی داشته و موجب مسئولیت قراردادی بانک شود. زیرا رابطه میان مشتری و بانک بر پایه قراردادی است که میان آنان منعقد می‌شود. ممکن است قرارداد به‌طور کامل یا جزئی اجرا نشود؛ در این صورت، بانک مسئول خطایی خواهد بود که مسئولیت مدنی به دنبال دارد؛ مسئولیتی که بی‌تردید با توجه به رابطه قراردادی با مشتری و نقض یکی از تعهدات ناشی از آن مسئولیت قراردادی خواهد بود.

خطا در قلمرو مسئولیت قراردادی به معنای انحراف متعاقد از رفتاری است که تعهد ناشی از قرارداد بر او تحمیل می‌کند. این خطا ممکن است عمدی باشد و از آگاهی و اراده آزاد ناشی شود؛ مانند آنکه یکی از کارکنان بانک، موجودی حساب مشتری را با قصد وارد کردن زیان به او افشا کند. همچنین ممکن است غیرعمدی و ناشی از اهمال کارمند در افشای اطلاعات مشتری باشد، مانند بی‌احتیاطی در فاش کردن اطلاعات مشتری (عبدالجبار، ۲۰۱۱: ۳۶۳).

موضوع تعهد قراردادی بانک‌ها یا تعهد به تحقق نتیجه است یا تعهد به بذل مراقبت لازم و فراهم

کردن وسیله. اهمیت این تمایز در حوزه اثبات خطا آشکار می‌شود؛ زیرا بار اثبات در تعهد به نتیجه همانند تعهد به بذل مراقبت بر دوش طلبکار سنگینی نمی‌کند. همچنین خطا می‌تواند ماهیتی قهری یا غیرقراردادی داشته باشد و موجب مسئولیت قهری بانک شود. خطا در مسئولیت قهری عبارت است از نقض تعهد قانونی از سوی شخص، همراه با آگاهی او نسبت به این نقض که موجب الزام به جبران خسارت می‌شود (الحکیم و دیگران، ۲۰۱۲: ۲۱۷).

خطای قهری بانک هنگامی تحقق می‌یابد که نقضی ناشی از تخلف از تعهد عمومی احتیاط که قانون به معنای عام خود، نسبت به همگان مقرر کرده است وجود داشته باشد و زیان‌دیده نسبت به بانک شخص ثالث محسوب شود. مسئولیت قهری بانک ممکن است هنگامی پدید آید که قراردادی که بانک با مشتری خود منعقد کرده باطل باشد و زیانی به مشتری وارد شود. در این حالت تصور تحقق مسئولیت قراردادی ممکن نیست؛ زیرا قرارداد باطل هیچ اثر حقوقی بر جای نمی‌گذارد. همچنین اشتغال بانک به حرفه بانکی، آن را تابع نوعی خاص از مسئولیت می‌کند که «مسئولیت حرفه‌ای» نامیده می‌شود و بر خطای حرفه‌ای مبتنی است (مزهر، ۲۰۲۳: ۳۸۳). این فعل باید از نظر جامعه غیرعادی باشد و قانون نیز نباید آن را مجاز بداند (دالوند، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲).

عبارت «بدون مجوز قانونی» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران به همین امر اشاره دارد؛ بدین معنا که اگر عملی با مجوز قانونی انجام شود، شخص مسئول زیان‌های ناشی از آن نخواهد بود. در اینجا اصطلاح قانون به معنای گسترده آن به کار رفته و شامل همه قوانین، مقررات، دستورالعمل‌های اداری، دستورات شفاهی پلیس، قواعد و مقررات عرفی جاری می‌شود. برای اثبات مسئولیت مدنی در اینجا، بعد اثبات ضرر باید ثابت شود که بانک در انجام وظایف قانونی و قراردادی خود مرتکب خطا شده است؛ به بیان دیگر، کمبودی در رعایت معیارهای تنظیمی، شناسایی هویت مشتری یا همان شناخت مشتری و نظارت بر معاملات مشکوک وجود داشته است. منشأ این خطا ممکن است نارسایی سامانه‌های داخلی، آموزش ناکافی کارکنان یا عدم رعایت دستورالعمل‌های مبارزه با پول‌شویی باشد.

تکلیف گزارش‌دهی در نظام‌های بانکی معاصر، یک تعهد اخلاقی عمومی محض نیست، بلکه تعهدی قانونی است که با جوهر نظام انطباق در مؤسسه مالی ارتباط دارد و نقشی مستقیم در جلوگیری از ادامه چرخه پول‌شویی پیش از تکمیل آن ایفا می‌کند. در عراق قانون مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم شماره ۳۹ سال ۲۰۱۵ مؤسسه مالی را ملزم می‌کند که فوراً هر عملیاتی را که مظنون به دربرداشتن پول‌شویی یا تأمین مالی تروریسم است، قبل و پس از انجام، مطابق الگویی که دفتر تهیه می‌کند، به دفتر

گزارش دهد (الخضرمی، ۲۰۱۵: ۵).

در ایران قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب سال ۱۳۸۶ با اصلاحات سال ۱۳۹۷، اشخاص مشمول را ملزم می‌کند گزارش معاملات مشکوک فراتر از سقف‌ها را به مرکز اطلاعات مالی ارائه کنند. دلالت این الزام در مسئولیت مدنی آن است که بانک، هنگامی که با وجود تحقق موجب خطا از گزارش‌دهی خودداری می‌کند، تکلیفی نظام‌مند و مشخص را نقض کرده و از معیار مراقبت حرفه‌ای لازم در محیطی پرخطر خارج شده است (میرزاجانی، ۱۳۹۷: ۱۹). خطای مدنی در اینجا بر این اندیشه استوار است که نقض یک تکلیف قانونی پیشگیرانه، به‌خودی‌خود قرینه‌ای قوی بر تقصیر حرفه‌ای است؛ زیرا قانون‌گذار تکلیف گزارش‌دهی را فقط به سود اداره و نهادهای حکومتی وضع نکرده، بلکه آن را برای حمایت از اشخاص ثالث در برابر نتایج ورود مال نامشروع به چرخه اقتصادی نیز مقرر کرده است. همان مقررات در فصل گزارش‌های الزامی، کارکنان را مکلف می‌کند که بدون اطلاع دادن به صاحب رابطه واحد مبارزه با پول‌شویی داخل سازمان را مطلع کنند (رضوانیان، ۱۴۰۴: ۲۶).

در عراق نیز تکلیف گزارش‌دهی با ممنوعیت افشا برای مشتری درباره اقدامات مربوط به خطا همراه است؛ امری که نشان می‌دهد قانون‌گذار گزارش‌دهی را بخشی از مراقبت مقتضی می‌داند، نه یک اختیار اداری. هنگامی که این شاخص‌ها همراه با خودداری بانک از ارسال گزارش انباشته شوند، خطای مدنی به اثبات نزدیک‌تر می‌شود؛ زیرا معیار خطا دیگر مبهم نیست، بلکه با مثال‌ها و معیارهای داخلی چارچوب‌بندی شده است؛ معیارهایی که فرض می‌شود بانک کارکنان خود را درباره آن‌ها آموزش داده است (اکبر، ۲۰۱۸: ۶).

۳-۱. رابطه بانک با زیان ناشی از پول‌شویی

برای تحقق مسئولیت قراردادی یا قهری، اثبات خطا و ورود زیان کافی نیست؛ بلکه وجود رابطه‌ای که این دو را به هم پیوند دهد نیز لازم است، به گونه‌ای که خطا در این رابطه، سبب زیان شده باشد (الناهی، ۱۹۹۰: ۲۹). ممکن است مدیون مرتکب خطا شود و طلبکار نیز دچار زیان گردد، اما این زیان ناشی از آن خطا نباشد، بلکه بر اثر سبب دیگری مانند رفتار خود طلبکار، رفتار شخص ثالث یا قوه قاهره ایجاد شده باشد. در این حالت، مدیون مسئولیتی نخواهد داشت (جاسم، ۲۰۱۵: ۶).

قانون‌گذار عراقی صرف عدم اجرای تعهد از سوی مدیون را، در صورتی که به ورود زیان به طلبکار بینجامد، اماره قانونی بر وجود رابطه سببیت دانسته است. این امر قرینه‌ای ساده به سود طلبکار محسوب

می‌شود و اثبات خلاف آن امکان‌پذیر است (ماده ۱۶۸ قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱). باید توجه داشت که قانون‌گذار احکام مسئولیت قراردادی را از قواعد نظم عمومی ندانسته و به همین دلیل اجازه داده است که این احکام با توافق دو طرف تعدیل شود؛ چه با تشدید آن، از طریق مسئول شناختن مدیون حتی نسبت به زیان ناشی از قوه قاهره و حادثه ناگهانی و چه با معاف کردن او از هرگونه مسئولیتی که ناشی از تقلب یا خطای سنگین او نباشد. همچنین اجازه داده است که مدیون از مسئولیت ناشی از تقلب یا خطای سنگین تابعان خود، یعنی کسانی که عمل شخصاً از او صادر نشده، معاف شود. برخلاف مسئولیت قهری که گاهی قانون‌گذار توافقی را که به معافیت از آن منجر شود ممنوع کرده است (ماده ۲۵۹ قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱ اصلاحی).

رابطه سببیت دامنه مسئولیت مدنی را تعیین می‌کند؛ زیرا تضمین می‌کند که فرد به جبران زیان‌هایی ملزم نشود که به‌طور مستقیم مسئول آن‌ها نبوده است. همچنین به توزیع عادلانه بار جبران خسارت میان طرف‌های ذی‌ربط کمک می‌کند، به‌ویژه در مواردی که خطای زیان‌دیده با خطای خواننده در ایجاد زیان تداخل پیدا می‌کند (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۷). رابطه سببیت خاص در پول شویی باعث می‌شود که زیان غالباً زنجیره‌ای باشد؛ زیرا عدم گزارش‌دهی ممکن است خطای اصلی را ایجاد نکند، اما پنهان کردن عواید و پوشاندن منشأ آن‌ها را تسهیل می‌کند و در نتیجه زیان‌دیده را از فرصت‌های استرداد زودهنگام، توقیف یا ردیابی محروم می‌سازد.

در عراق قانون مدنی معیار «نتیجه طبیعی» را در جبران خسارت مقرر کرده است. طبق قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱، ماده ۲۰۷، جبران خسارت شامل اصل زیانی که به زیان‌دیده وارد شده و سودی که از دست داده است، می‌شود، مشروط بر آنکه نتیجه طبیعی عمل نامشروع باشد (عکار و دیگران، ۲۰۲۱: ۷). در دعاوی بانکی، کافی است خواهان ثابت کند که خودداری بانک از گزارش‌دهی معمولاً به ادامه معاملات، خرد کردن حواله‌ها یا انتقال آن‌ها از مسیرهای متعدد انجامیده و همین امر استرداد مال را دشوار ساخته یا مانع جلوگیری از زیان شده است.

۲. شرایط شکلی اثبات دعوی مسئولیت مدنی بانک در قبال پول شویی

جهت پرهیز از ورود به قواعد عمومی اثبات دعوا، تنها به دو امر خاص در این باره پرداخته می‌شود.

۲-۱. مسئول اثبات مسئولیت مدنی در دعاوی بانکی

قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱، ماده ۱۸۶ مقرر می‌دارد که ضمان در صورت اتلاف مستقیم یا

تسبیب، مشروط بر تحقق عمد یا تعدی محقق می‌گردد. امکان توسعه مفهوم تعدی در حوزه بانکی وجود دارد؛ به این معنا که تعدی خروج از مقتضای احتیاط حرفه‌ای مقرر در قانون مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم شماره ۳۹ سال ۲۰۱۵، ماده ۱۱ تلقی شود، زیرا این قانون رفتار مورد انتظار از بانک را به‌طور تفصیلی مشخص می‌کند (الذنون، ۲۰۰۶: ۷).

بار اثبات رابطه سببیت بر عهده خواهان، یعنی زیان‌دیده است؛ او باید دلیلی ارائه کند که نشان دهد خطای ارتكابی سبب مستقیم وقوع زیان بوده است. در برخی موارد زیان‌دیده ممکن است در اثبات این رابطه با دشواری روبه‌رو شود، به‌ویژه زمانی که عوامل ایجادکننده زیان متعدد یا پیچیده باشند. در چنین شرایطی، دادگاه‌ها ممکن است برای اماره وجود رابطه سببیت به قرائن متوسل شوند و در عین حال به خواننده فرصت دهند تا این اماره را رد کند. مسئولیت مدنی منتفی می‌شود اگر ثابت گردد زیان، نتیجه مستقیم خطای ارتكابی نبوده یا عوامل خارجی مانند قوه قاهره یا فعل شخص ثالث، زنجیره سببیت میان خطا و زیان را قطع کرده‌اند. در اینجا لازم است ثابت شود زیان وارد شده به مشتری به علت اهمال بانک یا نبود نظارت از سوی آن رخ داده است. به بیان دیگر، خطا باید موجود باشد و زیان باید بر اثر همان خطا ایجاد شده باشد.

۲-۲. نقش کارشناسی بانک در تعیین معیار بانک محتاط

امکان بنا کردن قرینه قضایی بر نقض تکلیف گزارش‌دهی، بر قواعد اثبات و بر ماهیت اطلاعاتی استوار است که فقط در اختیار بانک قرار دارد و ماهیت فنی و کارشناسانه دارد. در عراق، قانون اثبات عراق شماره ۱۰۷ سال ۱۹۷۹ اصلاحی قرینه قضایی را چنین تعریف می‌کند: استنباط قاضی از امری ثابت برای احراز امری اثبات نشده. این قانون به قاضی اختیار می‌دهد هر قرینه‌ای را که قانون مقرر نکرده است، در حدود اموری که اثبات آن‌ها با شهادت جایز است، استنباط کند. همچنین همین قانون بهره‌گیری از ابزارهای پیشرفته علمی و کارشناسی را برای استنباط قرائن قضایی مجاز می‌داند (عوید، ۲۰۱۱: ۵).

در دعاوی پول‌شویی می‌توان وقایع اولیه‌ای را تثبیت کرد؛ مانند اینکه عملیات از الگوی فعالیت مشتری فراتر رفته، بانک هشدارهای داخلی دریافت کرده، تعارضی در داده‌های مربوط به ذی‌نفع واقعی دیده یا تعدد حواله‌ها را مشاهده کرده، اما با وجود این، گزارش خطای مقرر قانونی را ارسال نکرده است. در این حالت قاضی می‌تواند از این امر ثابت، آگاهی مفروض یا دست‌کم اهمال حرفه‌ای را که

به سطح خطای مدنی می‌رسد، استنباط کند.

این قرینه زمانی تقویت می‌شود که روشن شود بانک ممنوعیت افشا را نیز نقض کرده یا عمداً اطلاعات نادرست ارائه داده است؛ اعمالی که قانون کیفری برای آن‌ها وصف خاصی مقرر کرده و آن‌ها را رفتار بانک محتاط و متعارف می‌نامد. همچنین اصل «دلیل بر عهده مدعی است و سوگند بر عهده منکر» مانع انتقال عملی بار اثبات از طریق قرائن به بانک نمی‌شود، به‌ویژه زمانی که اسناد فقط در اختیار بانک باشد. کارآمدی قرینه قضایی بیشتر زمانی آشکار می‌شود که خواهان قواعد الزام طرف مقابل به ارائه دلیل موجود در اختیار او را به کار گیرد؛ زیرا پرونده‌های انطباق، سوابق خطا، گزارش‌های ارسالی، فرم‌های گزارش‌دهی و تصمیمات کمیته داخلی انطباق همگی دلایلی هستند که اشخاص ثالث معمولاً به آن‌ها دسترسی ندارند.

قانون اثبات عراق شماره ۱۰۷ سال ۱۹۷۹، ماده ۹، مقرر می‌کند که قاضی می‌تواند هر یک از طرفین دعوا را به ارائه دلیل اثباتی که در اختیار دارد، ملزم کند؛ و اگر از ارائه آن خودداری کند، دادگاه می‌تواند امتناع او را دلیلی علیه وی تلقی کند (الناهی، ۱۹۹۰: ۶). این امر اجازه می‌دهد زنجیره‌ای استدلالی ساخته شود که با درخواست سوابق مربوط به گزارش‌های خطا آغاز می‌شود، سپس تاریخ هشدار داخلی را دنبال می‌کند و پس از آن، این امر با واقعیت عدم گزارش‌دهی مقرر در قانون مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم شماره ۳۹ سال ۲۰۱۵، بند پنجم مقایسه می‌شود.

در ایران مقررات اجرایی کارکردی مشابه دارند؛ زیرا کانال‌های داخلی گزارش‌دهی را بر کارکنان تحمیل می‌کنند و اطلاع دادن به صاحب رابطه را ممنوع می‌سازند. بنابراین نبود گزارش یا وجود افشا، دلیل بر نقص انطباق است، نه صرفاً خطای فردی. بانک می‌تواند با اثبات سبب خارجی یا با این ادعا که زیان حتی با وجود گزارش‌دهی نیز قطعاً رخ می‌داد، مسئولیت را دفع کند. در قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱، ماده ۲۱۱ مقرر می‌کند هر کس ثابت کند زیان ناشی از سبب خارجی‌ای بوده که دخالتی در آن نداشته است، ملزم به ضمان نیست، مگر آنکه نص یا توافقی برخلاف آن وجود داشته باشد (عبدالجبار، ۱۹۷۷: ۸).

۳. چارچوب آیینی اثبات دعوا، خواهان و دفاعیات بانک

چارچوب آیینی اثبات دعوا، خواسته‌های خواهان و دفاعیات بانک در مرحله دادرسی، ابزارهای مدیریت خصومت را برای تبدیل حق ادعا به دلیل کامل بررسی می‌کند. این چارچوب نشان می‌دهد

درخواست‌های ارائه و افشا، استماع شهود و شیوه مواجهه با دفاعیات شکلی و ماهوی مانند قطع رابطه سببیت، سبب خارجی و محرمانگی بانکی چگونه باید اثبات شود.

۳-۱. شرایط پذیرش دعوا

پذیرش دعوی مسئولیت بانک بابت زیان‌های ناشی از پول‌شویی بر تحقق سمت و نفع استوار است؛ دو شرطی که در هر دو نظام، پیش از ورود به ماهیت دعوا بررسی می‌شوند، هرچند بیان آن‌ها متفاوت و مضمونشان نزدیک است. سمت در وهله نخست با این امر تعیین می‌شود که خواهان صاحب حق مورد تعرض باشد یا کسی باشد که قانوناً یا بر اساس توافق به جای او قرار گرفته است. نفع نیز در منفعت عملی و مشروعی جلوه می‌کند که خواهان از حکم دادگاه دنبال می‌کند، قانون آیین دادرسی مدنی عراق شماره ۸۳ سال ۱۹۶۹، ماده ۶ مقرر کرده است که دعوا بدون نفع معلوم، چه فعلی و چه آینده پذیرفته نمی‌شود (الحکیم، ۲۰۱۲: ۷).

در ایران قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، ماده ۲ مقرر می‌دارد که دادگاه به دعوا رسیدگی نمی‌کند، مگر به درخواست شخص ذینفع وکیل او، قائم‌مقام او یا نماینده قانونی او. بر این اساس، قربانیان کلاهبرداری مالی فرامرزی یا کسانی که از به‌کارگیری حساب‌هایشان به‌عنوان کانال عبور وجوه زیان دیده‌اند، هنگامی وصف ذینفع پیدا می‌کنند که زیانی شخصی، مستقیم یا آینده‌نگر و قابل ارزیابی را نشان دهند (رضوانیان، ۱۴۰۴: ۲۱). از شرط سمت در دعاوی بانکی، دو بُعد عملی منشعب می‌شود که در دادگاه‌های عراق و ایران، هنگام طرح دعوا علیه اشخاص حقوقی بسیار مطرح می‌گردد.

بُعد نخست، به نمایندگی صحیح بانک در دعوا مربوط است، زیرا خواننده باید کسی باشد که قانوناً امکان طرف دعوا قرار گرفتن او وجود داشته باشد (ایرانی، ۱۴۰۱: ۱۷). قانون آیین دادرسی مدنی عراق شماره ۸۳ سال ۱۹۶۹ نیز در ماده ۳، اهلیت دادخواهی را در دو طرف دعوا شرط کرده است (الحکیم و دیگران، ۲۰۱۲: ۶). ماده ۴ نیز لازم می‌داند که خصومت متوجه کسی باشد که قابلیت طرف دعوا قرار گرفتن دارد. این امر بر صحت طرح دعوا علیه بانک به‌عنوان شخص حقوقی، با تعیین نماینده قانونی او و صحت ابلاغ اثر می‌گذارد؛

بُعد دوم، به تمایز میان سمت فردی مشتری و سمت شرکت یا نهادی مربوط می‌شود که ادعا می‌کند زیان به دارایی او وارد شده است. در این زمینه، بار تنظیم دقیق سمت خواهان در دادخواست اهمیت

محوری دارد، زیرا خطا در بیان نماینده یا صلاحیت می‌تواند به ایراد شکلی منجر شود که پیش از بررسی تخلف بانک از تکالیف انطباق مطرح می‌گردد.

معیار نفع به صرف تمایل به کشف انتقال مال فروکاسته نمی‌شود، بلکه مستلزم خواسته‌ای قضایی و مؤثر است؛ مانند مطالبه جبران خسارت، استرداد آنچه گرفته شده، یا اعلام مسئولیت تضامنی با مرتکب اصلی، در صورت تحقق شرایط آن. امکان طرح دعوای مستقیم علیه بانک بر اندیشه استقلال خطای مدنی بانک از فعل مجرمانه اصلی و عدم ضرورت طرف دعوا قرار دادن مرتکب پول‌شویی استوار است. در دعوای مسئولیت بانکی، ممکن است خواننده به سبب فعل کارکنان خود یا به سبب نظام داخلی انطباق خود مسئول باشد.

در ایران در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، مبنای مسئولیت ناشی از اعمال کارکنان در حین کار یا به سبب آن مقرر شده است، مگر آنکه کارفرما ثابت کند احتیاط‌های لازم را انجام داده یا جلوگیری از زیان ناممکن بوده است (منوچهری، ۱۴۰۳: ۱۲).

در عراق می‌توان دعوای مستقیم را بر منطق ضمان ناشی از استفاده ناروا از حق مذکور در ماده ۷ قانون مدنی مبتنی کرد؛ جایی که فعالیت بانک بر اثر اهمال شدید در انطباق از یک خدمت مالی مشروع به تسهیلی نامشروع تبدیل می‌شود (الجورانی، ۲۰۱۶: ۵).

دعوای مستقیم در این زمینه به معنای معاف کردن مرتکب اصلی از مسئولیت نیست، بلکه به این معناست که خواهان می‌تواند، بر اساس مصلحت اثباتی و اجرایی خود، بانک را به‌تنهایی یا همراه با دیگران طرف دعوا قرار دهد.

دعوای جانشینی در جبران خسارت معمولاً زمانی مطرح می‌شود که شخص ثالث خسارت زیان‌دیده را بپردازد و سپس با این استدلال که بانک مسئول است، برای رجوع به او اقدام کند. ماده ۳۷۹ قانون مدنی عراق، نمونه قانونی صریحی از پرداخت همراه با جانشینی ارائه می‌دهد؛ ماده‌ای که مقرر می‌کند پرداخت‌کننده در موارد مشخصی، ازجمله زمانی که همراه با مدیون متعهد به دین باشد یا به پرداخت آن از سوی او ملتزم شده باشد، به حکم قانون قائم‌مقام طلبکار می‌شود (الیاور، ۲۰۱۵: ۹). ماده ۳۸۰ ق.م نیز جانشینی قراردادی با سند رسمی را مجاز دانسته است. همین نظام مسیر موازی دیگری نیز از طریق انتقال طلب فراهم می‌کند. ماده ۳۶۲ قانون مدنی عراق به طلبکار اجازه می‌دهد حق خود را بدون توقف بر رضایت مدیون منتقل‌الیه به دیگری منتقل کند و ضمانت‌ها نیز طبق ماده ۳۶۵ منتقل می‌شوند (عمار، ۲۰۱۱: ۷).

در ایران جانشینی در ماده ۳۰ قانون بیمه ایران مصوب سال ۱۳۱۶ شمسی تصریح شده است. این ماده مقرر می‌کند که بیمه‌گر به میزان آنچه پرداخته است، در برابر مسئول زیان، قائم‌مقام بیمه‌گذار می‌شود (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۸: ۱۴). بر این اساس، می‌توان تصور کرد که شرکت بیمه مسئولیت حرفه‌ای بانک، یا نهادی ضامن یا حتی بانک کارگزاری که برای حفظ شهرت خود زیان مشتری را فوراً تسویه کرده است، سپس دعوایی را علیه بانک مقصر مطرح کند (رضوانیان، ۱۴۰۴: ۱۲). طبق ماده ۷ قانون اثبات عراق «دلیل بر عهده مدعی است و سوگند بر عهده منکر» و مدعی و منکر را بر اساس معیار ظاهر تعریف می‌شوند. ماده ۹ همین قانون، به قاضی اختیار داده است که طرف دعوا را به ارائه دلیلی که در اختیار دارد، ملزم کند و امتناع او را دلیلی علیه وی بداند (مسقاوی، ۲۰۰۶: ۶).

این ابزار در دعاوی پول‌شویی علیه بانک‌ها اهمیت زیادی دارد؛ زیرا جوهر وقایع غالباً در سوابق انطباق، گزارش‌های خطا و پرونده‌های «شناخت مشتری» نهفته است. امکان بنا کردن قرینه قضایی بر امتناع بانک از ارائه سوابق خود، موقعیت خواهان را در عبور از دفاعیات شکلی که مدعی نبود نفع یا جدی نبودن ادعا هستند، تقویت می‌کند. با این ساختار آیینی، پذیرش دعوا در عراق و ایران به توانایی خواهان در تنظیم خواسته‌های مشخص، اثبات سمت و نفع خود و پیوند دادن آن‌ها با خطای بانکی مستقلی که قابلیت بررسی قضایی دارد وابسته می‌شود.

۲-۳. الزام بانک به ارائه اسناد و اقدامات افشا

دعاوی مسئولیت بانک در قبال پول‌شویی به دلیل نابرابری اطلاعات میان خواهان و بانک با دشواری اثباتی خاصی روبه‌رو هستند؛ زیرا داده‌های انطباق، گردش حساب‌ها، گزارش‌های خطا و سوابق نظارت داخلی فقط در اختیار بانک قرار دارد. بنابراین، الزام به ارائه اسناد به رکن آیینی تعیین‌کننده‌ای تبدیل می‌شود تا بار ابهام از خواهان به کسی منتقل شود که بر دلیل تسلط دارد. خواهان باید خواسته‌های خود را دقیق تنظیم کند؛ به گونه‌ای که شامل پرونده «شناخت مشتری»، پرونده‌های مراقبت مقتضی، سوابق به‌روزرسانی داده‌ها، نتایج بررسی ذی‌نفع واقعی، مسیر موافقت‌های داخلی، سوابق هشدارهای سامانه‌های نظارتی و داده‌های مکاتبات مرتبط باشد.

در این زمینه قاضی باید بر اساس منطق مدیریت دعوا عمل کند، نه بر پایه انفعال. او باید از اختیار خود برای هدایت طرفین به سوی دلایل مؤثر استفاده کند، در عین رعایت تناسب میان محرمانگی داده‌ها و حمایت از حق دادخواهی. این مسیر به دادگاه امکان می‌دهد اقناع خود را بر وقایع مادی بنا کند، نه

بر برداشت کلی و امکان پنهان شدن بانک پشت محرمانگی بانکی را محدود می‌سازد؛ به‌ویژه هنگامی که همین محرمانگی به سبب قصور در انطباق، خود محل اختلاف است.

در حقوق عراق مسیر روشنی برای فعال‌سازی دستور ارائه اسناد از طریق قواعد اثبات دیده می‌شود. قاضی می‌تواند هر یک از طرفین را به ارائه دلیل اثباتی که در اختیار دارد ملزم کند و می‌تواند امتناع از ارائه را دلیلی علیه ممتنع تلقی نماید (عبدالله، ۲۰۰۶: ۵). از این امر، نتایج عملی مهمی در دعوای پول‌شویی حاصل می‌شود؛ زیرا امتناع بانک از ارائه سوابق خطا یا پرونده احراز هویت و منشأ وجوه، موضعی خنثی باقی نمی‌ماند، بلکه می‌تواند به قرینه قضایی بر وجود تقصیر در تکالیف انطباق تبدیل شود. این رویکرد را نصی تأیید می‌کند که اجازه می‌دهد هرگاه دادگاه قانع شود دفتر یا سندی نزد طرف ممتنع وجود دارد و او آن را ارائه نکرده است، طرف مقابل بتواند مضمون آن را با هر یک از طرق اثبات ثابت کند و هزینه‌های آن اثبات نیز بر عهده ممتنع قرار گیرد. افزون بر این، امکان وارد کردن شخص ثالث به دعوا برای الزام او به ارائه دفتر یا سند و درخواست اطلاعات و اسناد از نهادهای اداری، هرگاه دادگاه آن را زیان‌بار برای مصلحت عمومی نداند وجود دارد. این ابزارها درخواست‌های افشای داده‌های انطباق را به مسیری قابل اجرا تبدیل می‌کنند، نه صرفاً خواسته‌ای نظری.

اختیار دادگاه عراقی همچنین تا تطبیق موضوع ارائه با ماهیت دلیل گسترش می‌یابد. اگر اختلاف درباره حواله‌های پی‌درپی، الگوی سپرده‌گذاری خردشده یا استفاده از پوشش‌های تجاری باشد، دادگاه می‌تواند کسی را که چیزی در اختیار دارد ملزم به ارائه آن کند، هرگاه این امر برای حل دعوا ضروری باشد. این اختیار به اسناد و اوراق دیگری نیز گسترش می‌یابد که در صورت نیاز به ذی‌نفع ارائه می‌شوند، حتی اگر برای مصلحت کسی باشد که می‌خواهد برای اثبات حق خود به آن‌ها استناد کند (جاسم، ۲۰۱۵: ۱۴). این قواعد با اختیار دادگاه برای اتخاذ هر اقدام اثباتی که برای کشف حقیقت لازم بداند تکمیل می‌شود؛ البته دادگاه باید در صورت عدول از نتیجه یا عدم پذیرش آن، دلایل خود را بیان کند. این امر اجازه می‌دهد تا دادگاه از صرف الزام به سند به اقدامات گسترده‌تری مانند معاینه، کشف یا بهره‌گیری از کارشناسی فنی گذر کند. این گسترش در دعوای پول‌شویی اهمیت دارد؛ زیرا دلیل ممکن است زنجیره‌ای دیجیتال باشد، نه یک سند سنتی؛ و اثبات خود امتناع نیز می‌تواند مدخلی برای ساختن قرائن قضایی بر خطای مدنی باشد.

در حقوق ایران دستور ارائه اسناد در مواد آیینی مربوط به اسنادی که نزد بانک یا نزد طرف دعوا قرار دارند، به‌روشنی مطرح است. اگر سند معین مستند ادعا نزد طرف مقابل باشد، طرف دیگر حق

درخواست ارائه آن سند را دارد و دادگاه می‌تواند امتناع از ارائه را در زمره قرائن اثباتی قرار دهد (مجبی، ۱۳۸۴: ۲۳). این حکم در دعاوی مطابقت ارزش مضاعف پیدا می‌کند؛ زیرا بسیاری از دلایل خطا در پرونده داخلی نهفته است که مشتری معمولاً به آن دسترسی ندارد.

اگر اسناد یا اطلاعات مربوط به موضوع دعوا نزد ادارات یا بانک‌ها باشد و دادگاه آن‌ها را مؤثر بداند، دستور کتبی ارسال تصویر یا گزارش را در مهلتی مشخص صادر می‌کند. البته استثنایی نیز درباره تعارض ارائه با نظم عمومی یا مصالح عالی وجود دارد که تشخیص مانع بر عهده دادگاه است. همچنین در صورت نیاز، ارسال اصل سند به‌طور مستقیم به دادگاه مجاز است و در موارد مقتضی، به بخش‌های استخراج‌شده از دفاتر جاری اکتفا می‌شود. این نظام برای امتناع تاجر از ارائه دفاتر خود اگر تلف شدن یا عدم امکان دسترسی را ثابت نکند، ارزش قرینه‌ای قائل می‌شود، به گونه‌ای که دادگاه می‌تواند آن را از قرائن محسوب کند. این قواعد امکان بنا کردن قرینه قضایی بر خطای مدنی را هنگام نقض تعهد گزارش‌دهی یا پنهان کردن داده‌های انطباق فراهم می‌سازند. الزام به ارائه اسناد با استماع شهود و کشف فنی سامانه‌های الکترونیکی پیوند دارد؛ زیرا اثبات پول‌شویی غالباً از مسیر فهم روند تصمیم‌گیری درون بانک می‌گذرد، نه صرفاً از طریق عدد حواله.

در عراق قواعد اثبات چارچوبی عملی برای استماع شهود، تعیین وقایعی که قرار است با شهادت ثابت شوند، نظم دادن به فهرست شهود، ابلاغ به آنان و تعیین جریمه در صورت عدم حضور فراهم می‌شود. این امر به خواهان اجازه می‌دهد، در صورت مؤثر بودن شهادت، کارکنان انطباق، حساب‌رسان داخلی یا مسئولان شعب را احضار کند (اوزدن حسین، ۲۰۱۱: ۱۶).

در ایران در صورت دشواری، امکان نیابت قضایی یا استماع خارج از دادگاه وجود دارد؛ امری که برای استماع شهادت کارمند سابق یا کارشناس سامانه‌ها که در مرکز داده‌ای دوردست فعالیت می‌کند سودمند است. این امر با امکان معاینه و تحقیق محلی به تصمیم دادگاه تکمیل می‌شود؛ ابزاری مناسب برای بررسی محیط کارکرد سامانه نظارتی، محل نگهداری سوابق یا مسیر ورود داده‌ها. بررسی حساب‌ها و دفاتر در محل وجود آن‌ها انجام شود و امکان تفویض این کار به قاضی نیز وجود دارد؛ حکمی که می‌توان آن را بر بررسی سرورهای ثبت سوابق و گزارش‌های حسابرسی تطبیق داد (آرمند، ۱۴۰۴: ۲۲). کشف سامانه‌های الکترونیکی نیازمند ضوابط دقیق است تا به بازرسی نامحدود تبدیل نشود. از این رو، خواهان باید دستور ارائه را از نظر زمانی و موضوعی مشخص درخواست کند؛ مانند سوابق هشدار خطا برای نوع خاصی از فعالیت در بازه‌ای معین، سوابق تغییر داده‌های مشتری و سوابق مکاتبات مرتبط با

تصمیم عدم گزارش دهی.

بانک نیز در مقابل، دفاعیات آیینی مربوط به محرمانگی بانکی، حریم خصوصی داده‌ها و حمایت از منافع اشخاص ثالث را در اختیار دارد. با این حال، این دفاعیات اختیار دادگاه را در ایجاد توازن نفی نمی‌کند. دادگاه می‌تواند اجازه دسترسی جزئی بدهد، تصویر گواهی‌شده صادر کند، یا داده‌های نامرتب با اختلاف را حذف یا پنهان سازد، درحالی‌که جوهر دلیل همچنان در دسترس باقی بماند. همچنین نشانه‌های قضایی درباره پیگیری جرائم پول‌شویی از طریق اعلامیه‌های رسمی درباره مبالغ مصادره شده و جریمه‌ها وجود دارد؛ امری که واقع‌گرایی دعوای مرتبط با ردیابی اموال در کانال‌های بانکی را نشان می‌دهد (مصطفی، ۲۰۰۶: ۱۵).

ارتباط این وقایع با ارزیابی بین‌المللی خطرات پول‌شویی در عراق نشان می‌دهد ابزارهای اثبات و ارائه اسناد امری تجملی نیستند، بلکه بخشی از کارآمدی نظام قضایی در مسئول شناختن مدنی مؤسسات مالی‌اند. در چنین پرونده‌هایی، پرسش دادگاه عملاً این است: آیا نزد بانک نشانه‌های کافی از خطا وجود داشته که گزارش دهی را اقتضا کند؟ آیا دلیل عدم گزارش دهی مستند شده است؟ آیا سامانه‌های الکترونیکی مطابق معیارهای نظارت داخلی عمل کرده‌اند یا غیرفعال شده یا دور زده شده‌اند؟ (منوچهری، ۱۴۰۳: ۱۴). هنگامی که پاسخ این پرسش‌ها به دلیل امتناع بانک از ارائه اسناد غایب باشد، دادگاه می‌تواند بر پایه قواعد امتناع و قرائن در عراق و ایران، قرینه قضایی بر خطای مدنی استنباط کند و سپس بار رد آن را بر عهده بانک بگذارد؛ بانکی که باید با ارائه دلایلی، سلامت انطباق یا وجود مانع مشروع مشخص برای عدم ارائه را ثابت کند.

۳-۳. ارزیابی جبران خسارت

ارزیابی جبران خسارت در دعوای مسئولیت بانک در قبال پول‌شویی بر اصل بازگرداندن تعادل مالی و روانی زیان‌دیده، بدون افراط استوار است. در عراق معیار ارزیابی دادگاه را ملزم می‌کند که جبران خسارت را به اندازه زیانی که به زیان‌دیده وارد شده و سودی که از دست داده است تعیین کند، مشروط بر آنکه این زیان نتیجه طبیعی عمل نامشروع باشد. همچنین محرومیت از منافع اعیان نیز در دامنه ارزیابی وارد می‌شود (خلف، ۲۰۱۲: ۱۷). این معیار در پرونده‌های پول‌شویی کاربردی است؛ زیرا زیان ممکن است از دست دادن مستقیم مال باشد یا افزایش هزینه تأمین مالی بر اثر توقیف نامشروع یا تعطیل شدن معامله یا از دست رفتن فرصت استرداد زود هنگامی که بانک از گزارش دهی خودداری کرده یا در احراز

هویت اهمال ورزیده و شبکه توانسته مراحل پنهان‌سازی را تکمیل کند.

دامنه زیان‌های قابل جبران زمانی گسترش می‌یابد که خواهان هزینه‌های ردیابی و دادرسی و کارشناسی فنی لازم برای کشف مسیر مالی را ثابت کند؛ زیرا این هزینه‌ها معمولاً از توابع زیان طبیعی به شمار می‌آیند، هرگاه لازم و معقول بوده و با حجم خطرات بانکی تناسب داشته باشند (اکبر، ۲۰۱۸: ۱۵). ارزیابی جبران خسارت همچنین با انتخاب شیوه جبران ارتباط دارد. موضوع به یک مبلغ نقدی واحد محدود نمی‌شود؛ بلکه قانون عراق به دادگاه اجازه می‌دهد که با توجه به شرایط، شیوه جبران را تعیین کند. بنابراین جبران خسارت می‌تواند به صورت اقساط یا مستمری مقرر باشد، همراه با الزام مدیون به ارائه تأمین. همچنین بنا به درخواست زیان‌دیده، دادگاه می‌تواند حکم به بازگرداندن وضعیت به حالت پیشین یا انجام امر معینی به‌عنوان جبران خسارت صادر کند (الذنون، ۲۰۱۲: ۱۲).

این انعطاف به دعاوی بانکی اجازه می‌دهد که در کنار جبران خسارت، دستورهای تبعی نیز درخواست شود؛ مانند اصلاح داده‌های اعتباری، رفع محدودیت‌هایی که بر اثر درج نام غیرموجه در فهرست‌های داخلی ایجاد شده، یا الزام بانک به تحویل اسنادی که استرداد را تسهیل می‌کند؛ البته اصل همچنان ارزیابی نقدی زیان است، هر جا که این روش دقیق‌تر باشد.

افزون بر این، قانون عراق به دادگاه اجازه می‌دهد، اگر هنگام صدور حکم تعیین میزان جبران خسارت به‌طور کافی ممکن نباشد، حق زیان‌دیده را برای درخواست بازنگری در ارزیابی، در مدت معقول، محفوظ نگه دارد. این حکم برای زیان‌های پول‌شویی مناسب است؛ زیرا آثار آن ممکن است به‌تدریج و با پیشرفت تحقیقات یا آشکار شدن حواله‌های بعدی روشن شود (الذنون، ۲۰۰۶: ۱۴). همچنین قانون اجازه می‌دهد دادگاه میزان جبران خسارت را کاهش دهد یا اساساً حکم به آن ندهد، اگر زیان‌دیده با خطای خود در ایجاد زیان یا افزایش آن مشارکت کرده باشد. این مسئله زمانی مطرح می‌شود که مشتری در به‌کارگیری ابزارهای حفاظتی اهمال کرده، داده‌های ناقص ارائه داده، یا با وجود نشانه‌های خطر به درخواست غیرمعارفی پاسخ داده باشد.

جبران زیان معنوی در مسئولیت بانکی زمانی روشن‌تر تحقق می‌یابد که زیان به شهرت و اعتبار مالی و حرفه‌ای زیان‌دیده مربوط باشد؛ الگویی که در پول‌شویی تکرارشونده است، زیرا استفاده از حساب اشخاص یا شرکت‌ها به‌عنوان پوشش به زیان‌های اعتباری گسترده‌ای می‌انجامد، حتی اگر آنان بخشی از اموال خود را بازیابند.

قانون مدنی عراق در ماده ۲۰۵، تصریح کرده است که حق جبران خسارت شامل زیان ادبی نیز

می‌شود و هر تعدی به آزادی، حیثیت، شرف، شهرت، جایگاه اجتماعی یا اعتبار مالی دیگری، مرتکب را مسئول جبران خسارت می‌سازد. این ماده همچنین مقرره خاصی درباره انتقال این حق دارد (مهر، ۲۰۲۳: ۱۸).

در ایران قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹، ماده ۱ مسئولیت کسی را که زیان مادی یا معنوی ایجاد کند، مقرر کرده است. ماده ۳ نیز تعیین میزان زیان و شیوه جبران آن را با توجه به اوضاع پرونده بر عهده دادگاه می‌گذارد (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶). زیان معنوی در ماده ۱۰ همان قانون نیز مطرح است؛ ماده‌ای که در صورت اثبات لطمه به اعتبارات شخصی یا خانوادگی: دور حکم به جبران زیان مادی و معنوی را مجاز می‌داند. همچنین در صورت اقتضای نوع تقصیر و اهمیت زیان، رفع زیان با ابزارهای غیرمالی نیز ممکن است. این امر هنگامی اهمیت ویژه دارد که زیان اصلی، انگ زنی به زیان‌دیده از جهت ارتباطات نامشروع یا مختل شدن شهرت تجاری او بر اثر تقصیر انطباقی بانک باشد.

قاعده مرور زمان خواهان را در دعوای پول‌شویی ملزم می‌کند که لحظه آگاهی را دقیقاً مشخص کند، زیرا آگاهی ممکن است با نخستین زیان ظاهری تحقق نیابد، بلکه زمانی حاصل شود که پیوند بانکی مشخص آشکار می‌شود یا او به داده‌هایی دست می‌یابد که نقش بانک، نام کارمند یا واحد انطباقی را که از گزارش‌دهی خودداری کرده است ثابت می‌کند. معیار آگاهی در عمل با بار اثبات خودداری از گزارش‌دهی یا قصور در احراز هویت تلاقی پیدا می‌کند. از این رو، درخواست‌های ارائه اسناد و کارشناسی در اثبات تاریخ آگاهی نیز نقش دارند، نه فقط در اثبات موضوع خطا.

در ایران منابع حقوقی و رویه حرفه‌ای بیان می‌کنند که نظام ایران به‌طور کلی مرور زمان مسقط دعوای مدنی را نمی‌شناسد، بر اساس رویکردی شرعی، قانون اساسی که تعیین مهلت مانع از استماع دعوا را مخالف ضوابط شرعی دانسته است؛ البته استثنای محدودی در قوانین خاص باقی است (دیلمی، ۱۳۸۴: ۴۲-۱۰۵؛ خزائی، ۱۴۰۲: ۱۷). این تفاوت به معنای آن نیست که عامل زمان در ایران بی‌اثر است، بلکه بدین معناست که زمان از یک دفاع شکلی قاطع به عاملی اثباتی و شاخصی برای جدیت پیوند سببیت تبدیل می‌شود. در نتیجه، دشواری تکمیل دلیل، به جای مانع استماع دعوا، به مانع اصلی تبدیل می‌گردد (نیکنام، ۱۳۹۶: ۱۲). اثر عملی مرور زمان و گذشت زمان بر امکانات اثبات در سه نقطه پیوسته آشکار می‌شود: نگهداری سوابق و از بین رفتن اثر دیجیتال و انتقال بار اقناع.

در عراق کوتاه بودن مهلت سه‌ساله از تاریخ آگاهی، خواهان را به اقدام زودهنگام از طریق درخواست دستورهای ارائه اسناد و کارشناسی وامی‌دارد، پیش از آنکه سوابق انطباق از بین بروند یا مطابق

سیاست‌های داخلی نگهداری، جایگزین یا حذف شوند. همچنین او را وادار می‌کند پرونده‌ای درباره آگاهی خود از زیان و مسئول آن از طریق مکاتبات رسمی، شکایات و درخواست اطلاعات بسازد تا لحظه آگاهی واقعه‌ای ثابت شده باشد، نه ادعایی بدون پشتوانه (السعدی، ۲۰۲۲: ۱۶).

در ایران ممکن است اقامه دعوا به تأخیر افتد؛ اما این امر فرصت دسترسی به داده‌های سامانه‌های الکترونیکی را به دلیل تغییر پلتفرم‌ها، حذف سوابق قدیمی یا جابه‌جایی کارکنان کاهش می‌دهد. بنابراین، تکمیل دلیل به قرائن قضایی قوی‌تر و استناد به امتناع بانک از ارائه داده‌هایی که در اختیار دارد وابسته می‌شود؛ سپس این امتناع به قرینه‌ای بر خطا یا بر وجود خطایی که گزارش دهی را ایجاب می‌کرد تبدیل می‌گردد (دالوند، ۱۳۸۶: ۱۱).

این نتیجه با جوهر ارزیابی جبران خسارت درهم می‌آمیزد؛ زیرا ضعف دلیل به سبب گذشت زمان ممکن است دادگاه را به محدود کردن دامنه زیان قابل ارزیابی یا کنار گذاشتن سود ازدست‌رفته غیرمحقق سوق دهد؛ درحالی‌که قوت دلیل زود هنگام، اثبات هزینه واقعی زیان و در نتیجه توجیه جبران خسارت مادی و معنوی بالاتر را با توجه به خطرناک بودن پول‌شویی برای شهرت و اعتبار مالی زیان‌دیده، امکان‌پذیر می‌کند.

نتیجه‌گیری

مسئولیت بانک در قبال پول‌شویی دیگر مسئله‌ای صرفاً کیفری نیست، بلکه به مسئله‌ای مدنی و مستقل تبدیل شده است که با معیار مطابقت حرفه‌ای و توانایی دادگاه در انتساب زیان به نقضی قابل ردیابی در پرونده‌های مراقبت مقتضی و گزارش‌دهی اثبات می‌شود.

در عراق وزن این واقعه با مقررات جرم‌انگاری خودداری از گزارش‌دهی و افشا برای مشتری در قانون مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم شماره ۳۹ سال ۲۰۱۵، ماده ۳۹، تقویت می‌شود؛ امری که به تخلف، دلالتی دوگانه، کیفری و مدنی می‌بخشد. اثر این امر در حوزه مدنی، تسهیل اثبات رابطه سببیت از طریق اندیشه فرصت ازدست‌رفته در استرداد زود هنگام، توقیف یا قطع مسیر پنهان‌سازی است. همچنین تأکید می‌شود که نقض تکلیف گزارش‌دهی به‌تنهایی کافی نیست، مگر آنکه زیان‌دیده زیانی محقق یا آینده‌نگر و قابل ارزیابی را بر پایه قواعد جبران خسارت نشان دهد.

مسئله اثبات، جوهر اختلاف در دعاوی مسئولیت بانک در قبال پول‌شویی است؛ زیرا تعیین‌کننده‌ترین دلیل درون سامانه‌های بانک و سوابق انطباق آن قرار دارد. بنابراین دستور ارائه اسناد،

افشای داده‌ها و پرونده‌های الکترونیکی و استماع شهود، اقدامات لازم برای تکمیل دلیل‌اند، نه گزینه‌هایی فرعی.

در عراق و ایران دادگاه مکلف است ارزیابی خود را مستدل سازد و آن را به داده‌های ملموس پیوند دهد؛ مانند هزینه ردیابی، کارشناسی، تعطیلی کسب‌وکار و اثر انگ زنی مالی بر فعالیت حرفه‌ای. همچنین زمان و مرور زمان فقط مسئله‌ای شکلی نیستند، بلکه عواملی تعیین‌کننده در امکان تکمیل دلیل طرفین‌اند. قانون مدنی عراق شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱، ماده ۲۳۲ محدودیت‌های زمانی را برای استماع دعوای جبران خسارت از تاریخ آگاهی و با سقف نهایی از تاریخ فعل مقرر می‌کند. این امر زیان‌دیده را به اقدام زودهنگام با درخواست ارائه اسناد و کارشناسی، پیش از جایگزینی سوابق یا از بین رفتن اثر دیجیتال وامی دارد.

ارزش این قاعده هنگامی روشن‌تر می‌شود که با قواعد سبب خارجی در ماده ۲۱۱ جمع شود؛ قاعده‌ای که بانک ممکن است برای قطع سببیت به آن استناد کند، درحالی که بار اثبات عملی همچنان به کامل بودن سوابق وابسته می‌ماند.

موفقیت دعوا مستلزم ساختن پرونده اثباتی از ابتداست؛ پرونده‌ای که لحظه آگاهی و مسیر زیان و نقض انطباق را از طریق دلایل مستقیم یا قرائن قوی ثابت کند. تصویر نهایی با این نکته تکمیل می‌شود که دعوای مستقیم و دعوای جانشینی همچنان مسیرهایی قابل فعال‌سازی هستند، هرگاه خواهان سمت و نفع، خواسته‌ها و توصیف حقوقی خطای بانکی را به‌درستی تنظیم کند.

فهرست منابع

- اویس رضوانیان، اکبر میرزائزاد جویباری، یاسر مرادی و داریوش احمدی (۱۴۰۴). «داوری‌پذیری دعاوی بانکی در حقوق ایران». **پژوهشنامه بازرگانی**، شماره ۱۱۴.
- حسن بادینی و غزاله صحرانورد (۱۴۰۳). «مطالعه تطبیقی المسؤولية المدنية مراجع نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در قبال سپرده‌گذاران و سرمایه‌داران بانکی». **نشریه حقوق خصوصی**، دوره ۲۱، شماره ۲.
- حمیدرضا میرزاجانی و مجید نجات زادگان (۱۳۹۷). «اعتبارسنجی و نقش آن در پیشگیری از پول‌شویی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی ایران». **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، دوره ۲۱، شماره ۸۱.
- محمود آخوندی (۱۳۶۸). «**آیین دادرسی کیفری**». جلد ۱، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دیلمی، احمد (۱۳۸۴). **مرور زمان**. قم: بوستان کتاب.
- رزیتا روغنی و سید کمال صادقی (۱۴۰۱). «بررسی مقررات مبارزه با پول‌شویی و ثبات‌بخش بانکی در بانک ملی ایران». **فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد**، دوره ۹، شماره ۴.
- سعیده پیوندی و غلامحسین گل ارضی (۱۴۰۴). «تبیین عوامل مؤثر در وقوع پول‌شویی». **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، شماره ۵۵.
- عاطفه عباسی کلیمانی و اسماء اکبری (۱۳۹۸). «بار اثبات پول‌شویی و چالش‌های فقهی و حقوقی آن». **سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی، علوم اسلامی، فقه و حقوق در ایران و جهان اسلام**.
- فاطمه آرمند (۱۴۰۴). «نقش کارشناسی در دعاوی بانکی». **مطالعات حقوق**، شماره ۴۷.
- فضل‌الله دالوند (۱۳۸۶). **تقسیم المسؤولية المدنية**. چاپ اول، اصفهان: انتشارات دادیار.
- محسن محبی (۱۳۸۴). حل و فصل دعاوی ضمانت‌نامه‌های بانکی بین‌المللی. **پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۷.
- محسن منوچهری (۱۴۰۳). «تحلیل حقوقی تعهدات و مسئولیت‌های بانک‌ها در مبارزه با پول‌شویی: بررسی تطبیقی حقوق ایران و مقررات بین‌المللی». **سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های دینی و اسلامی، حقوق، علوم تربیتی و روانشناسی**.
- محمدرضا نیکنام و نعیمه بیدخوری (۱۳۹۶). «مبانی حقوقی پول‌شویی در نظام بانکی ایران». در دومین کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، **علوم انسانی**.
- محمدجعفر ایرانی، ابراهیم تقی‌زاده و علیرضا ایرانشاهی (۱۴۰۱). «مسئولیت مدنی بانک‌ها در قبال سپرده‌مشتریان». **دانش حقوق مدنی**، شماره ۲۱.
- مهدی خزائی (۱۴۰۲). «مبارزه با پول‌شویی در حوزه نظام بانکی ایران و تطبیق آن با اسناد و مقررات بین‌المللی». **اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی**.
- مهراب دراب‌پور (۱۳۸۷). «مسئولیت‌های خارج از قرارداد: پرداخت خسارت، استرداد عین و

امتيازات». چاپ اول، تهران: مجد.

أنعام صبيح جاسم (٢٠١٥). **دور المعلومة المصرفية في جريمة غسل الأموال**، رسالة ماجستير، جامعة الكوفة.
اوزدن حسين (٢٠١١). **جريمة غسل الأموال في القانون العراقي**، بغداد: مطبعة الثقافة.
ايسر ياسين (بي.تا). **دور البنك المركزي العراقي في مكافحة غسل الأموال**، جريدة الصباح العراقية، العدد ٣٥٥٩.

بشير مصطفى (٢٠٠٦). «الفساد الاقتصادي: مدخل في المفهوم والتجليات». **مجلة بحوث اقتصادية عربية**، السنة ١٣، العددان ٣٦.

بلاسم جميل خلف (٢٠١٢). «ظاهرتي الفساد وغسيل الاموال أسبابهما ومخاطرهما ودورهما في تمويل الارهاب في العراق وسبل المعالجة». **مجلة دراسات محاسبية ومالية - المجلد السابع - العدد ١٩ - الفصل الثاني**.

حسن على الذنون (٢٠١٢). **النظرية العامة للالتزامات**، بغداد: المكتبة القانونية.

حسن على الذنون (٢٠٠٦). **المبسوط في المسؤولية المدنية، الضرر**، بغداد: شركة التايمس للطبع والنشر المساهمة، ط ٢.

خالص نافع أمين حنين على مزهر (٢٠٢٣). «المسؤولية المدنية للمصرف عن الودائع المستلمة: دراسة مقارنة». **مجلة العلوم القانونية**، المجلد ٣٧، الجزء الأول.

خليفة بن محمد الخضرمي (٢٠١٥). **مسؤولية البنك في عمليات الائتمان الداخلي**. دار الفكر والقانون.

ديلمي، احمد (١٤٠٥). **المسؤولية المدنية و الضمان القهري**، قم: منشورات جامعه قم.

ربيعة عطا الله السعدي (٢٠٢٢). **دور المصارف في التصدي لظاهرة غسيل الاموال وزارة المالية مجلة العلوم المالية والمحاسبية العدد الخاص بمؤتمر القطاع المصرفي - تحديات الإصلاح والتطوير، نحو عراق أخضر لعام المجلد (١ - ٧)**.

زهير علي اكبر (٢٠١٨). «مكافحة غسيل الأموال في العراق ولدول العربية»، **مجلة الدراسات المالية والمصرفية**، العدد ٢٠، لعام.

زينب شلال عكار واخرون (٢٠٢١). «تشخيص ظاهرة غسيل الاموال في العراق دراسة تحليلية لستنتي (٢٠١٧) و (٢٠١٨)». **مجلة كلية الادارة والاقتصاد / دراسات ادارية**، المجلد ١٥ العدد ٣٠، تشرين الأول.

زينة غانم عبد الجبار (٢٠١١). **الأسرار المصرفية: دراسة قانونية مقارنة**. مصر: دار الكتب القانونية.

سعود عويد (٢٠١١). **التنظيم القانوني لمنح الائتمان المصرفي**، رسالة ماجستير، جامعة بابل.

صلاح الدين الناهي (١٩٩٠). **الوجيز في النظرية العامة للالتزامات**، بغداد: مطبعة العاني.

عبد اللطيف عبد الجبار (١٩٧٧). **الجرائم الاقتصادية في التشريع العراقي**. رسالة ماجستير، جامعة بغداد.

عبد المجيد الحكيم (٢٠١٢). **الموجز في شرح القانون المدني، مصادر الالتزام مع المقارنة بالفقه الإسلامي**، شركة الطبع والنشر الأهلية، بغداد، ط ٢.

عبد المجيد الحكيم، عبد الباقي البكري، محمد طه البشير (٢٠١٢). **الوجيز في نظرية الالتزام في القانون المدني**

العراقي، مصادر الالتزام، الجزء الاول، المكتبة القانونية بغداد.

عدنان فرحان الجوراني (٢٠١٦). **غسل الاموال في العراق الأسباب والآثار والمعالجات الحوار المتمدن،** العدد ٥١٧٢.

على عصام محمد على الياور (٢٠١٥). **دليل البنوك والمدققين في مكافحة ظاهرة غسل الاموال بغداد،** دار الدكتور للعلوم الادارية والاقتصادية، طبعة أولى.

عمار باسل جاسم (٢٠١١). **جريمة غسل الأموال في القانون العراقي،** بغداد: عالم المعرفة للكتاب.

لبنى عمر مسقاوى (٢٠٠٦). **المسؤولية المصرفية في الاعتماد المالي.** مجلد ٢، الطبعة الأولى، لبنان: منشورات الحلبي الحقوقية.

محمد حسنين (بى تا). **الوجيز في نظرية الالتزام: مصادر الالتزام وأحكامها.** المؤسسة الوطنية للكتاب، الجزائر، دون سنة طبع.

محمد كريم عبد الله (٢٠٠٦). «الفساد الاقتصادي: الأسباب والمعالجات.» **مجلة الملتقى،** السنة الأولى، العدد ٤.